

سکولاریسم و آتئیسم



ناصر روستایی

سکولاریسم و آتئیسم

ناصر روستایی

نقد ژانویه ۲۵، ۲۰۲۱

چکیده: هدف از این تحقیق رفع ابهام و سوء برداشت از سکولاریسم و هم‌معنی‌پنداری آن با آتئیسم است. هدف این تحقیق کاربردی است و از روش کیفی تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سکولاریسم و آتئیسم دو مفهوم کاملاً متمایز هستند و دشمنان سکولاریسم، به‌خاطر اهداف‌شان، آن را مکتبی ضد دین تبلیغ کرده‌اند و با آتئیسم هم‌سان دانسته‌اند. ما در این جا به آن‌ها به‌عنوان دو مکتب می‌پردازیم. به‌رغم ارتباط متقابل این دو مکتب، رابطه‌ی آن‌ها گاهی اوقات با سوء تفاهات همراه بوده است. با وجود این که هر دو مکتب مخالف تسلط مذهبی بر امور عمومی هستند، آتئیسم در درجه‌ی اول یک نظام اعتقاد شخصی است، اما سکولاریسم یک اصل اجتماعی و سیاسی است که به آزادی‌های همه‌ی افراد، صرف‌نظر از باورهای مذهبی‌شان یا عدم‌باور، اعتقاد دارد.

سکولاریسم و آتئیسم دو مفهوم متمایزند که اغلب به دلیل هم‌پوشانی موضوعات‌شان در زمینه‌ی نقش دین در جامعه باعث سردرگمی می‌شوند. سکولاریسم یک اصل اجتماعی-سیاسی است که طرف‌دار جدایی دین از نهادهای دولتی و زندگی عمومی است و هدف آن ایجاد یک حوزه عمومی بی‌طرف است که در آن قوانین و سیاست‌ها بر اساس عقل و شواهد تجربی، و نه آموزه‌های دینی، بنا شده‌اند. این اصل در ترویج چندگانگی، پذیرش هم‌زیستی باورهای متنوع بدون تسلط یک دیدگاه مذهبی بر حوزه عمومی، مهم و ارزش‌مند است. در مقابل، آتئیسم به طور خاص به عدم اعتقاد به خدایان اشاره دارد و تجسمی از عقیده‌ی شخصی درباره‌ی وجود قدرتی برتر است. در حالی که بسیاری از آتئیست‌ها از سکولاریسم برای محافظت از عدم‌اعتقاد خود در برابر تحمیل مذهبی حمایت می‌کنند، خود آتئیسم چارچوب اجتماعی یا سیاسی خاصی را تجویز نمی‌کند. اهمیت درک تمایز بین سکولاریسم و آتئیسم در پیامدهای آن برای حکومت، تعامل اجتماعی و نظام‌های اعتقادی شخصی نهفته است. سکولاریسم با اطمینان از این که هیچ دین واحدی بر امور دولت تأثیر نمی‌گذارد، حکومت فراگیر را ترویج می‌کند و در نتیجه برابری بین شهروندان با مذاهب و نظام‌های اعتقادی مختلف را تقویت می‌کند. با این حال، آتئیسم هم‌چنان یک اعتقاد شخصی است که ذاتاً شامل یک دستور کار سیاسی جمعی نمی‌شود. این تفاوت اهمیت چارچوب‌های سکولار را در جوامع متنوع، جایی که افراد می‌توانند باورهای خود را مستقل از تأثیرات دینی هدایت کنند، برجسته می‌کند.

اختلاف‌های مربوط به این مفاهیم اغلب در بحث‌های مربوط به آزادی مذهبی، چارچوب‌های اخلاقی و نقش دین در زندگی عمومی ظهور می‌کنند. به عنوان مثال، منتقدان سکولاریسم

گاهی استدلال می‌کنند که این مکتب منجر به کاهش ارزش‌های اخلاقی می‌شود که نهادهای مذهبی به طور سنتی از آن‌ها حمایت می‌کنند. در مقابل، طرف‌داران سکولاریسم معتقدند که اخلاق سکولار می‌تواند پایه‌ی اخلاقی قوی بر اساس اصول انسان‌دوستانه ارائه دهد. علاوه بر این، رابطه‌ی بین سکولاریسم و آنتیسم با سوءتفاهماتی که این دو مفهوم را برابر می‌دانند، پیچیده‌تر می‌شود و نشان می‌دهد که جامعه‌ای سکولار باید کاملاً دین را رد کند. در واقع، سکولاریسم اجازه‌ی هم‌زیستی باورهای مختلف را می‌دهد، تا زمانی که آن‌ها حقوق دیگران یا سیاست‌های عمومی را نقض نکنند.

در گفتمان معاصر، درک تفاوت‌های بین سکولاریسم و آنتیسم برای ترویج گفت‌وگوی سازنده درباره‌ی نظام‌های اعتقادی در جامعه‌ای چندفرهنگی حیاتی است. تحول سکولاریسم در پاسخ به چالش‌های مدرن، پیامدهای آن برای حقوق افراد و انسجام اجتماعی هم‌چنان موضوع‌های مهم بحث و گفت‌وگو خواهد بود. بررسی سوءتفاهمات پیرامون این اصطلاحات برای ارتقای درک دقیق از نحوه‌ی تعامل سکولاریسم و آنتیسم در چارچوب گسترده‌تر ارزش‌ها و حکومت‌های معاصر بسیار مهم است.

زمینه‌ی تاریخی: ریشه‌های سکولاریسم

سکولاریسم به‌عنوان یک مفهوم رسمی در قرن نوزدهم، با ابداع این اصطلاح توسط جورج هولیوک، نویسنده‌ی بریتانیایی، در ۱۸۵۱ پدیدار شد. هولیوک به دنبال ایجاد یک نظم اجتماعی متمایز از تأثیرات دینی بود و تأکید کرد که سکولاریسم نباید به‌عنوان استدلالی علیه مسیحیت تفسیر شود، بلکه به‌عنوان چارچوبی که مستقل از آن عمل می‌کند باید شناخته شود. او بیان کرد که دانش سکولار به رفتار و رفاه زندگی انسان مربوط می‌شود و بر شواهد تجربی استوار است و نه بر تعالیم دینی. ریشه‌های تفکر سکولار را می‌توان به رنسانس، دوره‌ای که با احیای علاقه به فلسفه‌ی کلاسیک و تأکید فزاینده بر انسان‌گرایی مشخص می‌شود، رساند. متفکران در این دوره رفته رفته تسلط کلیسا را بر زندگی فکری و فرهنگی به چالش کشیدند

و از جهان‌بینی‌ای حمایت کردند که عقل و شواهد تجربی را بر باورهای دینی اولویت می‌داد. این گذار زمینه را برای شکوفایی سکولاریسم در قرن‌های بعدی، به ویژه با پرسش بیش‌تر متفکران عصر روشن‌گری از اقتدار مذهبی و معرفی مفاهیمی مانند فردگرایی و تحقیقات انتقادی، فراهم کرد.

روشن‌گری و تأثیر آن

دوره‌ی روشن‌گری که از اواخر قرن هفدهم تا هجدهم گسترش یافت، تفکر سکولار را به طور قابل‌توجهی پیش برد. فیلسوفانی همانند جان لاک، ولتر و دیوید هیوم از درهم‌تنیدگی دین و حکومت انتقاد و از جدایی کلیسا و دولت حمایت کردند. آثار آن‌ها پایه و اساس فکری سکولاریسم مدرن را بنا نهاد، زیرا آن‌ها بر نیاز به مبنایی عقلانی برای اقتدار سیاسی که متکی به توجیه دینی نباشد، تأکید کردند. در جریان اصلاحات پروتستانی، اصلاح‌گرانی مانند مارتین لوتر بیش‌تر نفوذ کلیسای کاتولیک را بر امور روحانی و دنیوی به چالش کشیدند. این جنبش به جذابیت فزاینده‌ی سکولاریسم کمک کرد، زیرا نه تنها شیوه‌های مذهبی، بلکه اقتدار کلیسا در حکومت اجتماعی را نیز زیر سوال برد. این فکر که یک دولت می‌تواند مستقل از نظارت مذهبی عمل کند، به تدریج پذیرفته شد و چشم‌انداز سیاسی جدیدی را نوید داد.

سکولاریسم در بافتار معاصر

سکولاریسم در جامعه‌ی معاصر^۵ اغلب پاسخی به تسلط تاریخی نهادهای مذهبی در حکومت و زندگی عمومی تلقی می‌شود. این امر با اصل جدایی دین از نهادهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی مشخص می‌شود. این جدایی در ارتقای چندگانگی و تحمل در جوامع روزافزون متنوع، با اجازه‌ی هم‌زیستی باورهای مختلف بدون تحمیل یک دکترین مذهبی فراگیر، حیاتی بوده است. تأثیرات استعمار تاریخی با تکامل جوامع^۶ نیز شکل‌دهنده‌ی درک معاصر از سکولاریسم بوده است. در بسیاری از موارد، قدرت‌های استعماری شیوه‌های فرهنگی و مذهبی خود را بر ملل مستعمره تحمیل کردند و منجر به تعامل پیچیده‌ای بین سکولاریسم و باورهای مذهبی در آن مناطق شدند. تولید فرهنگی و انتشار دین در دوره‌ی استعمار نقش مهمی در

ایجاد چشم‌انداز مذهبی کنونی ایفا کرد و بر تداوم میراث تاریخی و فرهنگی در شکل‌دهی تفکر سکولار مدرن تأکید کرد.

سکولاریسم در مقابل آتئیسم

در حالی که ممکن است سکولاریسم و آتئیسم مشابه به نظر برسند، اما از نظر دامنه و پیامدها اساساً با هم متفاوت هستند. سکولاریسم از جدایی دین از جنبه‌های مختلف زندگی عمومی حمایت می‌کند و چارچوبی را ترویج می‌دهد که در آن حکومت و هنجارهای اجتماعی بر اساس عقلانیت و شواهد تجربی و نه باورهای مذهبی بنا شده است. در مقابل، آتئیسم به طور خاص به عنوان عدم اعتقاد به خدایان یا آموزه‌های دینی تعریف می‌شود. آتئیست‌ها ممکن است دیدگاه‌های سکولار داشته باشند، اما سکولاریسم لزوماً مستلزم آتئیسم نیست؛ بلکه طیف وسیع‌تری از باورها را در بر می‌گیرد، از جمله افرادی که خود را آگنوستیک می‌شناسند یا دیدگاه‌های غیرمذهبی دارند. توسعه‌ی سکولاریسم امکان هم‌زیستی طیف متنوعی از جهان‌بینی‌ها را در حوزه‌ی عمومی فراهم کرده و جامعه‌ای چندفرهنگی را ترویج می‌کند که در آن افراد می‌توانند باورهای خود را به طور مستقل از تأثیرات دینی هدایت کنند. این تمایز در درک چگونگی شکل دادن به حکومت مدرن و هنجارهای اجتماعی توسط سکولاریسم در عین حال که به وجود نظام‌های اعتقادی متنوع، از جمله آتئیسم، اذعان دارد، ارزش‌مند است.

نقش چهره‌های تاریخی

شخصیت‌های برجسته تاریخی به طور قابل توجهی بر گفتمان پیرامون سکولاریسم و آتئیسم تأثیر گذاشته‌اند. به عنوان مثال، فیلسوفان یونان باستان، مانند آناکساگوراس و زنون، از تبیین‌های مذهبی سنتی پیرامون جهان انتقاد کردند و راه را برای تفکر سکولار هموار کردند. ادعای آناکساگوراس مبنی بر این که خورشید توده‌ای آتشین است و نه موجودی الهی، نمونه‌ای از تلاش‌های اولیه برای توضیح پدیده‌های طبیعی از طریق تحقیقات عقلانی و نه

توضیحات اسطوره‌ای بود. در عصر روشن‌گری، شخصیت‌هایی مانند ولتر و هیوم بیش‌تر بر جدایی دین و دولت تأکید کردند. حمایت ولتر از آزادی‌های مدنی، از جمله آزادی بیان و مذهب، بر نیاز به یک مدل حکومتی سکولار که امکان وجود چندگانگی باورها را فراهم کند و در عین حال تأثیر نهادهای مذهبی را در زندگی عمومی کاهش دهد، تأکید کرد. این متفکران به افزایش شناخت اهمیت سکولاریسم در ترویج جامعه‌ای فراگیر و عقلانی کمک کردند.

تفاوت‌های کلیدی: شالوده‌های مفهومی

سکولاریسم و آتئیسم، اگرچه اغلب با هم مورد بحث قرار می‌گیرند، از شالوده‌های مفهومی متمایزی سرچشمه می‌گیرند. سکولاریسم به طور کلی به چارچوب اجتماعی - سیاسی اشاره دارد که از جدایی دین از امور مدنی و ترویج حوزه‌ی عمومی غیرمذهبی حمایت می‌کند. این امر با تعهد به انسان‌گرایی، اخلاقی‌گرایی و مادی‌گرایی مشخص می‌شود و بر نگرانی فوری برای بهبود کیفیت زندگی از طریق اصول عقلانی و اخلاقی و نه تعالیم دینی تأکید دارد. از سوی دیگر، آتئیسم در درجه‌ی اول یک موقعیت متافیزیکی است که با عدم اعتقاد به خدایان تعریف می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که خدایی یا خدایانی وجود ندارد و اغلب با شکاکیت نسبت به ادعاها و آموزه‌های دینی همراه است.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی

سکولاریسم پیامدهای چشم‌گیری برای حکومت و ساختار اجتماعی دارد. این امر ضرورت چارچوبی را تأکید می‌کند که در آن نهادها و باورهای مذهبی قوانین یا سیاست‌های عمومی را دیکته نکنند. این مفهوم در جوامع چندفرهنگی که ادیان متعدد در آن وجود دارد بسیار مهم است، زیرا هدف آن ایجاد محیطی فراگیر است که به احترام به باورهای متنوع و در عین حال اولویت دادن به برابری و عدالت مدنی می‌پردازد. در مقابل، آتئیسم ذاتاً چارچوب سیاسی یا اجتماعی خاصی را تجویز نمی‌کند. در حالی که بسیاری از آتئیست‌ها ممکن است از

سکولاریسم حمایت کنند، خود آتئیسم فاقد رویکرد ساختاریافته‌ای برای حکومت اجتماعی است و در عوض بر باورهای شخصی درباره‌ی الوهیت و دین تمرکز دارد.

باورهای شخصی در مقابل جمعی

آتئیسم اغلب به‌عنوان یک نظام اعتقادی شخصی یا موضع فردی درباره‌ی وجود خدایان تلقی می‌شود. این می‌تواند در شکل‌های مختلفی بیان شود، مانند آتئیسم قوی (تأکید بر اینکه هیچ خدایی وجود ندارد) یا آتئیسم ضعیف (عدم اعتقاد به خدایان بدون تأکید قطعی). با این حال، سکولاریسم رویکردی جمعی است که هدفش ترویج جامعه‌ای است که افراد با تمام عقاید — مذهبی و غیر مذهبی — بتوانند با آرامش در کنار هم زندگی کنند. این امر چندگانگی را ترویج می‌کند و اغلب در چارچوب‌های قانونی‌ای گنجانده می‌شود که از حقوق افراد، صرف‌نظر از وابستگی مذهبی، محافظت می‌کند.

رابطه با دین

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم این دو مکتب در نحوه‌ی تعامل با دین نهفته است. سکولاریسم به نقش دین در زندگی عمومی مرتبط می‌شود و از حذف نفوذ دین در امور دولتی حمایت می‌کند. این شامل ترویج اخلاق سکولار و گفتمان عقلانی به‌عنوان اصول راهنما برای تعامل اجتماعی و حکومت است. برعکس، آتئیسم مستقیماً به اعتقاد به ماوراءالطبیعه می‌پردازد. در حالی که آتئیست‌ها ممکن است اقتدار مذهبی را رد کنند، تمرکز آن‌ها اغلب بر عقاید شخصی است تا تغییرات نظام‌مند در نحوه‌ی برخورد با دین در جامعه.

سازگاری با سایر نظام‌های اعتقادی

سکولاریسم با طیف وسیعی از سیستم‌های اعتقادی، از جمله آگنوستیسیسم، انسان‌گرایی و حتی برخی از شکل‌های خداباوری، تا زمانی که این باورها حقوق دیگران را نقض نکنند، سازگار است. این امر هم‌زیستی دیدگاه‌های متنوع را حمایت می‌کند و به افراد امکان می‌دهد بدون تحمیل آن‌ها بر جمع، به باورهای خود عمل کنند. آتئیسم، اگرچه ذاتاً انحصاری نیست،

اما اغلب منجر به رد همه باورها و اعمال مذهبی می‌شود، که می‌تواند منجر به جهان‌بینی سفت و سخت‌تر درباره‌ی مسائل متافیزیکی شود.

ابعاد روان‌شناختی و فرهنگی

ظهور سکولاریسم در جوامع مدرن اروپایی منجر به افزایش تنوع فرهنگی و تغییرات در روانشناسی اجتماعی شده است که مشخصه‌ی آن پراکندگی باورهای مذهبی و نسبی‌گرایی ادعاهای حقیقت در یک زمینه‌ی چندفرهنگی است. جوامع سکولار اغلب در ایجاد ارزش‌های مشترک در میان جهان‌بینی‌های رقابتی با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. آنتیسم، در این زمینه، می‌تواند در این پراکندگی نقش داشته باشد زیرا با تقویت این دیدگاه که ادعاهای مذهبی فاقد اعتبار هستند، روایت‌های فرهنگی جمعی را پیچیده می‌کند.

مثال‌ها در عمل

در عمل، می‌توان سکولاریسم را در کشورهایی مانند فرانسه مشاهده کرد، جایی که اصل لائیسیتته جدایی سختگیرانه‌ای بین دولت و نهادهای مذهبی را اعمال می‌کند و بر قوانین و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد تا ارزش‌های سکولار را منعکس کند. این امر منجر به جامعه‌ای شده است که در آن نمادهای مذهبی اغلب در اماکن عمومی برای حفظ بی‌طرفی محدود می‌شوند. آنتیسم، که در شخصیت‌هایی مانند ریچارد داوکینز تجسم می‌یابد، اغلب جهان‌بینی را ترویج می‌کند که از اعمال مذهبی انتقاد و از رویکرد عقلانی برای درک وجود و اخلاق حمایت می‌کند.

سکولاریسم در حکومت

سکولاریسم در نظام‌های سیاسی مختلف، به ویژه در مواردی که جدایی رسمی دین و دولت برقرار است، تجلی می‌یابد. نمونه‌ی برجسته فرانسه است که در آن سکولاریسم یا لائیسیتته در قانون اساسی گنجانده شده است. قانون سال ۱۹۰۵ در مورد جدایی کلیسا و دولت این اصل را با تضمین بی‌طرفی دولتی در امور مذهبی و ممنوعیت تامین مالی فعالیت‌های مذهبی

تجسم می‌بخشد. این امر منجر به ممنوعیت نمادهای مذهبی در مدارس دولتی شده که هدف آن ترویج برابری و جلوگیری از تأثیر هر دین بر سیاست‌های دولت است. در این زمینه، سکولاریسم برای حمایت از حقوق شهروندان صرف‌نظر از وابستگی مذهبی آن‌ها عمل می‌کند. در مقابل، هند مدل متفاوتی از سکولاریسم را ارائه می‌دهد. هند پس از کسب استقلال در ۱۹۴۷، چارچوب سکولاری را اتخاذ کرد که بر برابری بین جوامع مذهبی متنوع آن تأکید دارد. سکولاریسم هند به شدت جدایی دین و دولت را اعمال نمی‌کند، بلکه رویکردی چندفرهنگی را ترویج می‌کند که در مقابل قانون همه‌ی ادیان برابر تلقی می‌شوند. به‌عنوان مثال، در حالی که دولت تا حدی بی‌طرفی را حفظ می‌کند، ممکن است برای اطمینان از هماهنگی اجتماعی در امور مذهبی مداخله کند و منعکس‌کننده‌ی ترکیب منحصر به فردی از سکولاریسم و تعاملات مذهبی باشد.

سکولاریسم در روابط بین‌الملل

سکولاریسم هم‌چنین بر روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارد، زیرا بسیاری از کشورها بر جدایی دین از سیاست‌های دولتی تأکید دارند. این امر در کشورهایی مشهود است که در امور خارجه خود اصول دموکراتیک و حقوق بشر را بر ملاحظات مذهبی اولویت می‌دهند. به‌عنوان مثال، کشورهایی مانند کانادا و استرالیا آزادی مذهبی و تحمل را به‌عنوان اصول اصلی دیپلماسی بین‌المللی خود ترویج می‌دهند و به اعمال مذهبی متنوع بدون ترس از آزار و اذیت اجازه می‌دهند. چنین رویکرد سکولاری باعث هم‌زیستی مسالمت آمیز بین کشورهایی با پیشینه‌های مذهبی متنوع می‌شود و هم‌کاری جهانی را تقویت می‌کند. برعکس، رابطه بین دین و سیاست اغلب در ترکیه پیچیده‌تر است، جایی که دولت تحت سکولاریسم کمالیستی کنترل شدیدی بر اعمال مذهبی دارد و در عین حال، حوزه‌ی عمومی سکولار را ترویج می‌کند. این شکل از سکولاریسم که مصطفی کمال آتاتورک در اوایل قرن بیستم ایجاد کرده است، کنترل شدید دولت بر جلوه‌های مذهبی را با تلاش برای نوسازی و غربی‌سازی جامعه‌ی ترکیه ترکیب

می‌کند. این نشان می‌دهد که در حالی که هدف سکولاریسم کاهش نفوذ دین در حکومت است، میزان و نحوه‌ی اجرای آن می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف تفاوت چشم‌گیری داشته باشد.

سکولاریسم در جامعه و فرهنگ

تأثیر سکولاریسم به قلمروهای فرهنگی و اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. در بسیاری از کشورهای غربی، به ویژه از زمان روشن‌گری، سکولاریسم منجر به تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای عمومی شده است. سکولاریزاسیون اغلب با افزایش تحمل باورهای متنوع و عقب‌نشینی نهادهای مذهبی از زندگی عمومی همراه است. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، جدایی کلیسا و دولت امکان ایجاد جامعه‌ای چندفرهنگی را فراهم کرده است که در آن باورهای مختلف بدون تسلط هیچ ایدئولوژی مذهبی خاصی با هم وجود دارند. این امر فرهنگ مدنی را تسهیل کرده است که عقل و حقوق فردی را بر تعالیم دینی اولویت می‌دهد و به طور قابل توجهی بر تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در مقابل، ژاپن اغلب به‌عنوان نمونه‌ای غیر غربی از سکولاریزاسیون ذکر می‌شود. جامعه‌ی ژاپن ترکیبی از باورهای سنتی و ارزش‌های سکولار مدرن را نشان می‌دهد، به طوری که بخش قابل توجهی از جمعیت خود را غیرمذهبی معرفی می‌کنند، در حالی که همچنان در آیین‌های فرهنگی شرکت می‌کنند. این نشان می‌دهد که چگونه سکولاریسم می‌تواند با سنت‌های مذهبی هم‌زیستی داشته باشد و منعکس‌کننده‌ی سازگاری منحصربه‌فرد اصول سکولار در یک زمینه‌ی غنی فرهنگی باشد.

سکولاریسم در رسانه و گفتمان عمومی

نقش سکولاریسم در رسانه نیز قابل توجه است، زیرا گفتمان عمومی و روایت‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. در کشورهایی با چارچوب‌های سکولار قوی، رسانه‌ها اغلب مستقل از نفوذ دینی عمل می‌کنند و تفکر انتقادی و دیدگاه‌های متنوعی را رواج می‌دهند. به‌عنوان مثال، چشم‌انداز رسانه‌ای فرانسه تحت تأثیر شدید ارزش‌های سکولار است و اغلب از نهادهای

مذهبی انتقاد می‌کند و بحث‌های مربوط به نقش دین در زندگی عمومی را ترویج می‌دهد. محیط رسانه‌ای سکولار بحث در مورد تحمل مذهبی، حقوق بشر و اهمیت حفظ یک حوزه‌ی عمومی بی‌طرف را تشویق می‌کند. در مقابل، در کشورهایی که دین نفوذ قابل توجهی بر رسانه‌ها دارد، مانند برخی از کشورهای خاورمیانه، گفتمان اغلب می‌تواند ایدئولوژی‌های مذهبی را منعکس کند و دامنه‌ی دیدگاه‌های سکولار را محدود کند. این واگرایی نشان می‌دهد که چگونه سکولاریسم می‌تواند گفت‌وگوی عمومی بازتر و فراگیرتری را تسهیل کند و در توسعه‌ی هنجارهای دموکراتیک مشارکت داشته باشد.

چالش‌های سکولاریسم

در حالی که هدف سکولاریسم ترویج برابری و شمولیت است، اما با چالش‌هایی در زمینه‌های مختلف مواجه است. در فرانسه، دولت سکولار در تلاش است تا تعهد خود به لائسیته را با واقعیت جامعه‌ای چندفرهنگی متعادل کند. قانون ۲۰۲۱ که تقویت‌کننده‌ی احترام به اصول جمهوری است، تا حدی پاسخی به نگرانی‌ها پیرامون افزایش رادیکالیسم، به ویژه رادیکالیسم اسلامی بود. منتقدان استدلال می‌کنند که چنین اقداماتی می‌تواند جوامع خاص را بیگانه کند و به عدم مدارا بیانجامد و در نتیجه اهداف اصلی سکولاریسم را تضعیف کند. در هند، چالش در حفظ یک دولت سکولار در میان افزایش ناسیونالیسم مذهبی نهفته است. در حالی که قانون اساسی سکولاریسم را حمایت می‌کند، روندهای سیاسی اخیر شاهد افزایش ناسیونالیسم هندو بوده است که نگرانی‌هایی را در خصوص رفتار با اقلیت‌های مذهبی ایجاد می‌کند.

سوءتفاهمات

سوءتفاهمات پیرامون سکولاریسم و آنتیسیسم اغلب منجر به سردرگمی درباره‌ی تعاریف، پیامدها و نقش آن‌ها در جامعه می‌شود. در حالی که هر دو اصطلاح ممکن است در رد اقتدار مذهبی با هم تلاقی داشته باشند، اما اهداف متمایزی داشته و پیامدهای فلسفی متفاوتی را به همراه دارند.

سکولاریسم در مقابل آتئیسم

یکی از سوءتفاهمات رایج این است که سکولاریسم و آتئیسم مترادف هستند. سکولاریسم در درجه‌ی اول به جدایی دین از نهادهای دولتی و اجتماعی مربوط می‌شود و از حوزه‌ی عمومی دفاع می‌کند که در آن تصمیمات بر اساس عقل و شواهد تجربی و نه آموزه‌های دینی اتخاذ می‌شوند. از سوی دیگر، آتئیسم به طور خاص به عدم اعتقاد به خدایان یا موجودات الهی اشاره دارد. این یک موضع شخصی در مورد نظام‌های اعتقادی است و نه چارچوبی سیاسی. این تمایز بسیار مهم است؛ سکولاریسم به افراد با هر اعتقادی — از جمله آتئیست‌ها، آگنوستیک‌ها و خداباوران — اجازه می‌دهد تا در چارچوبی سیاسی که از هیچ دیدگاه مذهبی خاصی حمایت نمی‌کند، هم‌زیستی داشته باشند. به این ترتیب، سکولاریسم فراگیری و برخورد برابر را برای افراد صرف‌نظر از نظام‌های اعتقادی آن‌ها ترویج می‌کند، در حالی که آتئیسم صرفاً یکی از احتمالات موجود در میان بسیاری است.

نقش اعتقاد در سکولاریسم

سوءتفاهم دیگر این است که سکولاریسم دلالت بر اعتقاد به عدم اعتقاد دارد یا این که به طور فعال اعمال مذهبی را دل‌سرد می‌کند. در واقع، سکولاریسم به دنبال تضمین این است که دولت در امور مذهبی بی‌طرف باقی بماند و به افراد آزادی عمل در انجام یا عدم انجام دین خود بدون دخالت دولتی را بدهد. منتقدان اغلب این بی‌طرفی را به‌عنوان خصومت با دین تفسیر می‌کنند. به‌عنوان مثال، بحث‌های مربوط به نمادهای مذهبی در اماکن عمومی می‌تواند به منزله‌ی تلاش برای سرکوب ایمان تلقی شود، در حالی که در واقع تلاش‌هایی برای حفظ حکومت سکولار است. در واقع، سکولاریسم ارزش دین را در زندگی افراد انکار نمی‌کند؛ بلکه به سادگی معتقد است که دولت نباید از هیچ اعتقاد مذهبی حمایت یا آن را اجرا کند. افراد بنا به اصل سکولاریسم باید آزاد باشند تا به طور خصوصی با عقاید معنوی خود درگیر شوند، بدون تحمیل این باورها بر دیگران یا بر سیاست‌های عمومی.

بار اثباتی در بحث مذهبی

سوء تفاهم دیگری نیز درگیر بار اثباتی در بحث‌های مربوط به اعتقاد و عدم اعتقاد است. منتقدان آتئیسم اغلب ادعا می‌کنند که آتئیست‌ها در انکار وجود خدایان بار اثباتی دارند. با این حال، بسیاری از طرفداران آتئیسم استدلال می‌کنند که موقعیت شناختی پیش فرض عدم اعتقاد است و وظیفه‌ی کسانی که وجود یک خدا را تأیید می‌کنند این است که شواهدی برای ادعاهای خود ارائه دهند. این موضع فلسفی با این اصل مطابقت دارد که ادعاهای خارق‌العاده نیاز به شواهد خارق‌العاده دارند، دیدگاهی که به طور گسترده در تفکر انتقادی و تحقیقات عقلانی پذیرفته شده است. تمایز بین آتئیسم قوی (اعتقاد به عدم وجود خدایان) و آتئیسم ضعیف (عدم اعتقاد به خدایان بدون تأکید قطعی) نیز بحث را پیچیده می‌کند. برخی افراد ممکن است با وجود داشتن عدم اعتقاد، خود را آتئیست ندانند و این نشان می‌دهد که خودشناسی لزوماً با نظام‌های اعتقادی واقعی هم‌بستگی ندارد.

تغییرات جمعیتی و باورها

سوء تفاهمات پیرامون تغییرات جمعیتی باورها نیز به سوء تفاهمات درباره‌ی آتئیسم و سکولاریسم می‌انجامد. مطالعات مختلف نوساناتی را در درصد افرادی که در سطح جهانی خود را آتئیست می‌دانند و تعامل پیچیده‌ی عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد و نه صرفاً در افزایش یا کاهش اعتقاد مذهبی. به عنوان مثال، در حالی که برخی مناطق ممکن است سکولاریزاسیون فزاینده‌ای را نشان دهند، برخی دیگر ممکن است شاهد ظهور مجدد معنویت یا بنیادگرایی باشند و این تصور را که جهان به طور یک‌نواخت به سمت سکولاریسم یا آتئیسم حرکت می‌کند، به چالش می‌کشد. علاوه بر این، تفسیر نتایج نظرسنجی در مورد اعتقاد می‌تواند متفاوت باشد و درک ما را از این که چه تعداد از افراد واقعاً خود را آتئیست می‌دانند در مقابل افرادی که به سادگی اعتقادات مذهبی قوی ندارند، پیچیده می‌کند. این

پیچیدگی نشان می‌دهد که رابطه بین نظام‌های اعتقادی و هویت شخصی ظریف است و نمی‌توان آن را به طبقه‌بندی‌های دودویی کاهش داد.

سکولاریسم به عنوان فلسفه‌ای سیاسی

سوءتفاهم دیگر این است که سکولاریسم برابر با رد اخلاق یا چارچوب‌های اخلاقی است. برخی از منتقدان استدلال می‌کنند که جوامع سکولار بدون پایه‌ی مذهبی ممکن است فاقد قطب‌نمای اخلاقی باشند. با این حال، سکولاریسم نظام‌های اخلاقی مبتنی بر اصول انسان‌دوستانه را تشویق می‌کند و بر هم‌دلی، مسئولیت اجتماعی و رفاه افراد و جوامع تأکید می‌کند و نه بر فرمان الاهی. این دیدگاه با فلسفه‌های اخلاقی مانند فایده‌باوری هم‌سو است که به دنبال به حداکثر رساندن رفاه بر اساس ملاحظات اخلاقی معقول و نه آموزه‌های دینی است. علاوه بر این، این ایده که سکولاریسم ذاتاً با باورهای مذهبی متخاصم است، اهداف آن را اشتباه نشان می‌دهد. به جای تلاش برای ریشه کن کردن دین، سکولاریسم به دنبال ایجاد محیطی است که در آن باورهای متنوع بتوانند به طور مسالمت‌آمیز بدون تسلط یک حوزه عمومی هم‌زیستی کنند. این امر در کشورهایی مشهود است که از سکولاریسم حمایت می‌کنند در حالی که از جوامع مذهبی پر جنب‌وجوش نیز حمایت می‌کنند.

رابطه‌ی بین سکولاریسم و آتئیسم: تعاریف و تمایزات

آتئیسم و سکولاریسم، اگرچه اغلب به دلیل مخالفت مشترکشان با تسلط مذهبی در حکومت مرتبط هستند، مفاهیم متمایزی هستند که اهداف متفاوتی را در جامعه دنبال می‌کنند. آتئیسم اساساً به عدم اعتقاد به خدایان یا موجودات ماوراءالطبیعه اشاره دارد و تجسمی از عقیده‌ی شخصی است که توسط افراد در مورد وجود نیروی برتر برگزار می‌شود. در مقابل، سکولاریسم به یک اصل سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود که از جدایی دین از امور دولتی حمایت می‌کند. این امر به دنبال ایجاد یک حوزه‌ی عمومی بی‌طرف است که در آن باورهای مذهبی بر سیاست‌های دولتی، قوانین یا سیستم‌های آموزشی تأثیر نگذارد. تمایز بین این دو مفهوم زمانی

روشن می‌شود که دامنه و پیامدهای آن‌ها را در نظر بگیریم. آتئیسم در سطح فردی عمل می‌کند و نشان دهنده یک نظام اعتقادی شخصی است که ذاتاً به ساختارهای عمومی یا دولتی نمی‌پردازد. با این حال، سکولاریسم در سطح نهادی عمل می‌کند و از چارچوب‌هایی حمایت می‌کند که تضمین‌کننده رفتار عادلانه و بی‌طرفانه با همه اعتقادات در جامعه است.

ارتباطات

با وجود تفاوت‌های آتئیسم و سکولاریسم، آن‌ها اغلب به ویژه در بحث‌های مربوط به نقش دین در زندگی عمومی با هم تلاقی می‌کنند. بسیاری از آتئیست‌ها فعالانه از سکولاریسم حمایت می‌کنند زیرا محیط قانونی و اجتماعی را فراهم می‌کند که در آن از عدم اعتقادشان به تحمیل مذهبی محافظت می‌شود. بنابراین، در حالی که آتئیسم ممکن است مستقیماً دستور کار سیاسی یا اجتماعی را دیکته نکند، بسیاری از آتئیست‌ها سکولاریسم را یک شرط لازم برای شکوفایی باورهای شخصی خود بدون دخالت نهادهای مذهبی می‌دانند. آتئیسم و سکولاریسم می‌توانند به عنوان نیروهای مکمل در پی جامعه‌ای دیده شوند که در آن اعتقادات فردی مورد احترام و محافظت قرار می‌گیرند. سکولاریسم مرزهای لازم را ایجاد می‌کند که در آن باورهای متنوع می‌توانند با هم وجود داشته باشند، از جمله آتئیسم. این هدف مشترک محافظت از نظام‌های اعتقادی شخصی در مقابل نفوذ مذهبی^۵ به آتئیست‌ها و سکولارها اجازه می‌دهد تا از سیاست‌هایی که از آزادی‌ها و حقوق فردی حمایت می‌کنند دفاع کنند.

پیامدهای اجتماعی

در یک جامعه سکولار، قوانین و مقرراتی که زندگی عمومی را تنظیم می‌کنند بدون تأثیر آموزه‌های مذهبی تدوین می‌شوند و زمینه‌ای برابر برای همه‌ی اعتقادات را فراهم می‌کنند. این جدایی تضمین می‌کند که هیچ دین واحدی نمی‌تواند بر زندگی مدنی تسلط یابد یا آن را دیکته کند و اجازه می‌دهد تا تحمل و درک بیش‌تری بین ایدئولوژی‌های متفاوت وجود داشته باشد. به همین ترتیب، سکولاریسم می‌تواند توسط خداپاوران و غیر خداپاوران به طور یکسان

پذیرفته شود، زیرا بر اهمیت برخورد برابر و فرصت‌های برابر برای افراد صرف‌نظر از وابستگی مذهبی یا عدم وابستگی آن‌ها تأکید دارد. از سوی دیگر، آتئیسم در درجه اول به عقاید شخصی مربوط می‌شود و ذاتاً با مسائل حکمرانی یا سیاست اجتماعی درگیر نمی‌شود. این امر دیکته نمی‌کند که چگونه جامعه باید ساختار یافته یا اداره شود، که در آن سکولاریسم نقش حیاتی خود را ایفا می‌کند. از بسیاری جهات، سکولاریسم به‌عنوان یک سپر محافظتی برای آتئیست‌ها عمل می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بدون ترس از پیامدهای قانونی یا اجتماعی، عقاید خود را ابراز کنند.

یک نمونه‌ی عملی از رابطه بین سکولاریسم و آتئیسم را می‌توان در کشورهای مختلفی یافت که در آن‌ها سکولاریسم در قانون گنجانده شده است. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، متمم اول جدایی کلیسا و دولت را تضمین می‌کند، که از حقوق آتئیست‌ها برای زندگی بدون دخالت مذهبی حمایت می‌کند. این چارچوب قانونی به آتئیست‌ها اجازه می‌دهد تا آزادانه عقاید خود را بیان کنند و از سیاست‌هایی که جهان‌بینی آن‌ها را منعکس می‌کند بدون ترس از تحمیل ارزش‌های مذهبی توسط دولت حمایت کنند. به‌طور مشابه، در بسیاری از کشورهای اروپایی، سکولاریسم عمیقاً در سیستم‌های سیاسی و آموزشی تعبیه شده است و اطمینان حاصل می‌کند که آموزه‌های مذهبی بر تحصیلات عمومی یا سیاست‌های دولتی تأثیر نمی‌گذارد. این امر محیطی را تقویت می‌کند که در آن آتئیست‌ها می‌توانند در اعتقادات خود احساس امنیت کنند و آزادانه در مباحث اجتماعی مربوط به اخلاق و مسئولیت مدنی بدون تأثیر سایه‌ی ایدئولوژی‌های مذهبی شرکت کنند.

نتیجه‌گیری

رابطه‌ی بین سکولاریسم و آتئیسم به‌رغم ارتباط متقابل‌شان، گاهی اوقات با سوءتفاهمات خدشه‌دار می‌شود. یکی از سوءتفاهمات رایج این است که سکولاریسم و آتئیسم مترادف هستند که نیستند. در حالی که هر دو طرف‌دار مخالف تسلط مذهبی در امور عمومی هستند،

آئیسم در درجه‌ی اول یک نظام اعتقادی شخصی است، در حالی که سکولاریسم یک اصل اجتماعی و سیاسی است که با هدف حفظ حقوق و آزادی‌های همه‌ی افراد، صرف‌نظر از باورهای مذهبی آن‌ها یا عدم وجود آن‌ها عمل می‌کند. علاوه بر این، برخی از افراد ممکن است به اشتباه سکولاریسم را یک موضع ضددینی تلقی کنند، که می‌تواند کسانی را که با سنت‌های مذهبی مشخص می‌شوند، بیگانه کند. در واقع، سکولاریسم به دنبال حذف دین از زندگی عمومی نیست، بلکه به دنبال ایجاد محیطی است که در آن همه‌ی اعتقادات بدون تبعیض یا تبعیض با برابری رفتار شوند. این دیدگاه برای تقویت گفت‌وگو و همکاری بین افراد با عقاید متنوع، از جمله آئیست‌ها، خداباوران و آگنوستیک‌ها، بسیار مهم است.

منابع:

- سروش، عبدالکریم. شبستری، محمد مجتهد. ملکیان، مصطفی. کدیور، محسن (۱۳۹۲). *سنت و سکولاریسم*، تهران، صراط.
- تیلور، چارلز. مک‌لور، جاسلین (۱۳۹۹). *سکولاریسم و آزادی وجدان*، مهدی حسینی، تهران، روزبهان.
- ایگناتیف، مایکل (۱۴۰۰). *آتش و خاکستر*، فیروز سالاریان، تهران، انتشارات آگاه.
- تیلور، چارلز (۱۴۰۲). *عصر سکولار*، علی رضا پاک‌نژاد، تهران، پگاه روزگار نو.
- مورتیری، جان مک (۱۳۹۸). *ساختار جهان بینی مارکس*، حمید پور یوسفی، هانیه دباغ‌سرخا، رضا خاکی‌راوندی و دیگران، تهران، انتشارات اندیشه انسان.
- آرگون، محمد (۱۳۹۹). *سکولاریسم و دین*، کیوان محمدی، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- کامی، ربکا (۱۴۰۲). *جشن ماتم*، مراد فرهادپور، تهران، انتشارات لاهیتا.
- کلاین، آستین (۱۳۸۸). *سکولاریسم به زبان ساده*، امیر غلامی

rawa.org

wikipedia.org

لینک کوتاه شده در سایت «نقد»:

<https://wp.me/p9vUft-4yH>

برگرفته از سایت نقد

تاریخ بازنشر:

۲۰۲۵/۱/۲۶

